

داشتن منابع، پاسخ به نیمی از پرسشهاست

دایرة المعارف تشیع؛ مکمل دایرة المعارف های اسلامی

○ گفت و گو: حسین فعال عراقی

در حال حاضر دایرة المعارف های متعددی در حوزه دین در کشور در دست تهیه و تدوین است که بعضی از آنها به بازار عرضه شده است. دایرة المعارف تشیع از جمله مهمترین آنهاست که تاکنون ۸ جلد آن تدوین و چاپ شده است. برآن شدیم تا گزارش کاملی درباره دایرة المعارف تشیع در اختیار خوانندگان گرامی قرار دهیم. بدین منظور با دست اندرکاران تدوین این دایرة المعارف مصاحبه هایی انجام گرفت که ارایه می شود. ابتدا با جناب آقای دکتر مهدی محقق درباره تاریخچه دایرة المعارف نویسی در اسلام و تشیع و نیز ضرورت تدوین چنین مجموعه هایی به گفت و گو نشستیم.

سپس گفت و گو هایی را با آقایان بهاءالدین خرمشاهی، احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و خانم فهیمه محبی (مدیر داخلی) انجام دادیم که از نظر خوانندگان محترم می گذرد.

جراحی و کشف اصطلاحات الفنون تهاونوی نیز کمک به این هدف می کرد.

کتابهای صحاح سته اهل تسنن و کتب اربعه شیعه از جهت اشتمال آنها بر موضوعات مختلف دنیا نوعی دایرة المعارف به شمار می آیند، و از همین روی کتابهایی نظیر شفاى ابن سینا و اسفار ملاصدرا را هم می توان نوعی دایرة المعارف فلسفی نامید، ولی دایرة المعارف به صورت الفبایی که مدخل های آن به وسیله متخصصان هر فن نگاشته شده و مبتنی بر آخرین تحقیقات علمی در آن فن باشد، نخست در غرب بوجود آمده است. اروپاییان در قرون وسطی به تقلید از جوامع علمی دانشمندان اسلامی همچون کتاب الحاوی محمد بن زکریای رازی در طب و کتاب اغراض مابعدالطبیعة ابن رشد در فلسفه که ترجمه های لاتینی آن در دسترس آنان بود، درصدد برآمدند که برای رفع نیازهای علمی خود مجموعه های مختلفی از علوم و فنون را گردآورند که همان مقدمه برای نگارش دایرة المعارف هایی به معنی امروزی آن شد که شروع آن را می توان از قرن هیجدهم میلادی یاد کرد. در این سه قرن دایرة المعارف های متعددی به زبانهای انگلیسی و فرانسه و روسی و آلمانی و سایر زبانهای اروپایی نگاشته شد که برخی از آنها جنبه عمومی دارند،

گفت و گو با

دکتر مهدی محقق



این دایرة المعارف در حقیقت مکمل دایرة المعارف های اسلامی دیگر است که به قسمتهای دیگر پرداخته اند

لطفاً قبل از هر چیز درباره پیشینه دایرة المعارف نویسی در جهان اسلام و به ویژه جهان تشیع مطالبی را بفرمایید؟

بعد الحمد والصلوة، قال علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام: «خذوا من کل علم و دعوا ظروفه، فان العلم کثیر و العمر قصیر» از آنجا که کوتاهی عمر و گسترده بودن دامنة علوم و معارف، مراجعه به کتب مختلف و آگاهی اندیشه ها از آن کتب را متعذر یا متعسر می سازد، دانشمندان از دیرزمان درصدد برآمدند که خلاصه و فشرده علوم را در یک جای گردآورند و هنگام نیاز بدان مراجعه کنند. در اسلام کتابهای رسائل اخوان الصفا و احصاء العلوم فارابی و مفاتیح العلوم خوارزمی و جامع العلوم فخر رازی و مفتاح العلوم سکاکی و نفائس الفنون آملی و مفتاح السعادة طاش کپری زاده و همچنین کتابهای بسیاری تحت عنوان انموذج العلوم برای این منظور تألیف گردید و کتابهایی مانند تعریفات میر سید شریف

که بتوان اطلاق دایرة المعارف بر آنها کرد و دایرة المعارفها و فرهنگ نامه‌هایی هم که در نیم قرن اخیر در ایران نوشته شد هر چند که مطالب مربوط به ایران آن جوینده را راضی می‌کند، ولی در جنبه تشیع ضعیف و ناقص است و به هیچ وجه نیاز اهل علم و تحقیق را مرتفع نمی‌سازد.

با توجه به کافی نبودن دایرة المعارف و فرهنگ نامه‌های موجود و در دسترس نبودن دایرة المعارفی که حاوی شرح حال بزرگان شیعه و معرفی آثار آنان و مشتمل بر عقائد و افکار تشیع باشد، و همچنین ضرورت زمانی که همه جهان را متوجه ایران که مرکز تشیع و آثار و معالم تشیع به صورت زنده در ایران صورت می‌گیرد، لزوم تألیف و نشر دایرة المعارف تشیع را که مبتنی بر آخرین تحقیقات علمای اسلام و دانشمندان جهان باشد نمایان می‌سازد.

خاصه که در توان هر طالب و دانشجویی نیست که در تفسیر به تبیان و مجمع البیان، و در حدیث به کتب محمدین ثلاثه اوائل و اواخر، و در اصول به ذریعه و عده و در فقه به نهاییه و لمعه، و در کلام به آثار خواجه و علامه، و در فلسفه به آثار صدرا و فیض و فیاض و همچنین در سایر علوم به سایر جوامع و مطولات مراجعه کند.

در صحبت‌هایتان اشاره کردید دایرة المعارف‌هایی که مستشرقان نوشته‌اند نویسندگان آن عنایت و توجهی به شیعه نداشته و حتی برخی مقالات را با تعصب و تحریف و سهل‌انگاری تحریر کرده‌اند اگر امکان دارد در این باره بیشتر توضیح دهید؟

معروف‌ترین دایرة المعارفی که در اختیار اهل علم قرار داشته همان دایرة المعارف اسلام بوده که مستشرقان نوشته‌اند و توجه دارید که این اشخاص همگی اهداف پاک و خالص علمی نداشتند و بسیاری از آنها به دلیل وجود جریانها و اهداف سیاسی یا تبلیغی و تبشیری دست به این کار زدند. مثلاً اگر غربیها نقطه‌ای از شبه قاره هند بیشتر مورد نظرشان بوده بنا به دلیل سیاسی، اجتماعی و یا هر دلیل دیگر شرح آن قسمت را در کتاب مفصل و با تأکید بیشتر نوشته‌اند و با کمی دقت و تیزبینی می‌شود آن خط غیر علمی را کشف و دنبال کرد. گاهی پیش آمده است که شهر بسیار کوچک و کم اهمیتی را به خاطر اینکه در آنجا پایگاه و یا پادگانی داشته‌اند، به‌طور مشروح توصیف کرده‌اند اما شهری مهم و بزرگ در ایران را که دانشمندان برجسته بسیاری از آن برخاسته‌اند و آثار و ابنیه تاریخی و پرارزشی هم در آنجا وجود داشته به کلی نادیده گرفته و هیچ نامی از آن نبرده‌اند. نکته قابل توجه دیگر این است که چون مستشرقان از طریق مصر و شمال آفریقا با اسلام آشنایی پیدا کردند. کمتر توجهی به ایران و دانشمندان و آثار و ابنیه آن نشان داده‌اند و بسیاری از موارد را که در ارتباط با دانشمندان ایرانی و یا مذهب شیعه بوده است از قلم انداخته‌اند. البته در چاپ دوم کتاب این کاستی تا حدودی جبران شده ولی هنوز هم بدرستی و آن گونه که سزاوار است حق کیان علمی و فرهنگی شیعه و کشور ما ادا نشده است.

دامنه مطالب دایرة المعارف تشیع تا چه حدی است و چه

مطالب و موضوعاتی را در خود می‌گنجاند؟

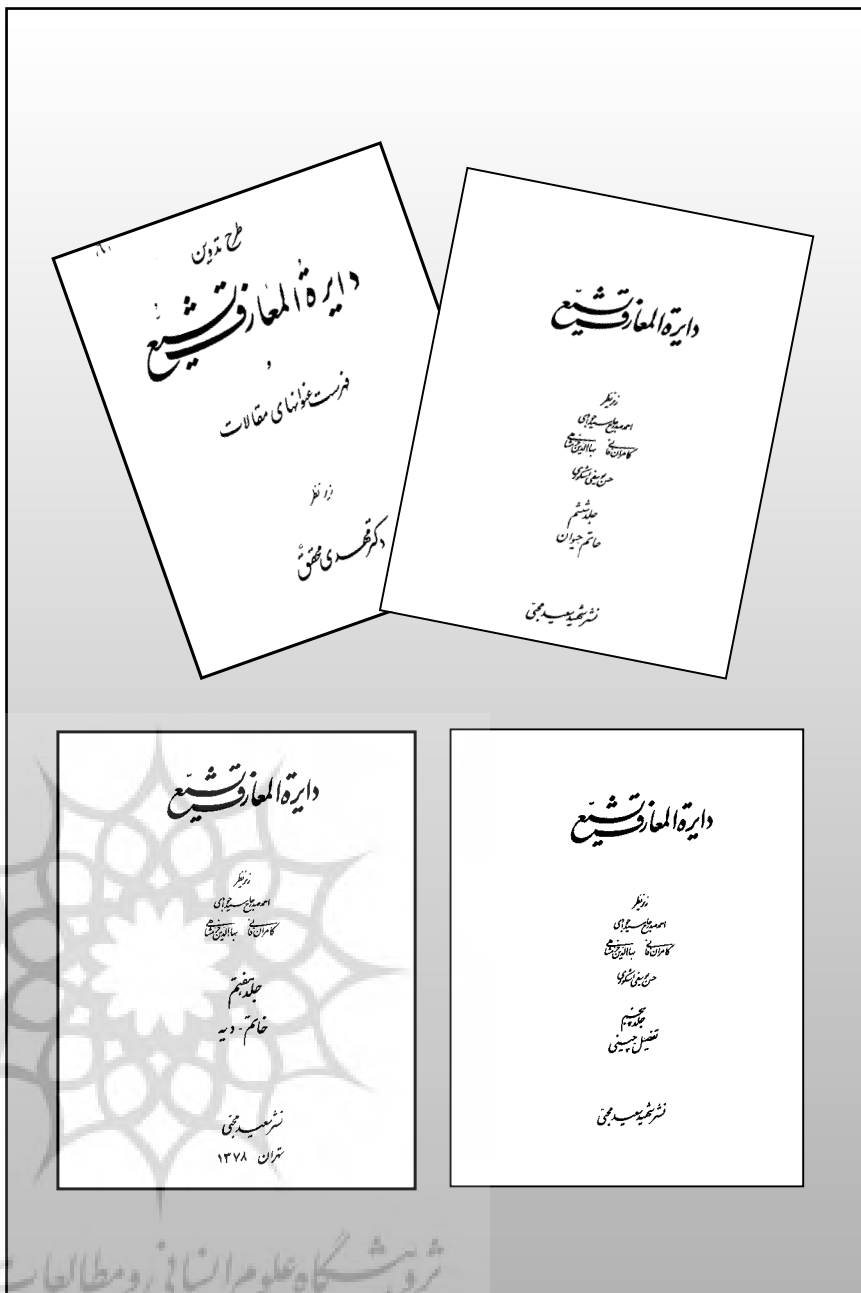
دایرة المعارف تشیع که ضرورتاً می‌باید از مشابهات خود ممتاز و

همچون دایرة المعارف بریتانیکا و دایرة المعارف آمریکانا و برخی جنبه خصوصی مانند دایرة المعارف دین و اخلاق و دایرة المعارف اسلام.

جهان تشیع هر چند دایرة المعارف جامعی همچون بحارالانوار مجلسی - رحمة الله علیه - در دست داشته که فهرست مطالب آن یعنی سفینه البحار مرحوم شیخ عباس قمی - رضوان الله علیه - بر بسیاری از کتبی که در صدر این گفتار یاد شد ارجحیت دارد، ولی از داشتن دایرة المعارف به معنی امروزی کلمه که برای معلم و متعلم و مبتدی و مستکمل سهل‌التناول باشد محروم بوده، و طالبان آگاهی از حقائق شیعه و شناخت بزرگان و دانشمندان و آثار تشیع ناچار بودند که به منابع ناقص که در کشورهای عربی تألیف گشته، همچون دایرة المعارف بستاننی و دایرة المعارف فرید وجدی و یا دایرة المعارف‌های فرنگی که نویسندگان آن با تعصب یا تحریف تحریر کرده‌اند، روی آورند و در نتیجه سیمای ناقص و نادرستی از تشیع ترسیم کرده‌اند.

موضوعات علمی که در دوره فاجار تألیف گشت همچون نامه

دانشوران و المآثر و الآثار و نظایر آن از جامعیت و نظامی برخوردار نبود



از نقیصه‌های دایرةالمعارفها و فرهنگ نامه‌های دیگر عاری باشد، لازم است که مطالب زیر را دربرداشته باشد:

۱- تحلیل و توضیح کلمات اساسی قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و آثار ائمه معصومین - علیهم السلام - به منظور نشان دادن موضع شیعه برای پایه‌گذاری جامعه و عقائد و اخلاق اسلامی که به وسیله آن سعادت دنیا و آخرت تأمین گردد.

۲- شرح احوال چهارده معصوم - علیهم السلام - و شیعیان از صحابه و تابعین و رجال و دانشمندان از فقها و اصولیین و مفسران و محدثان و متکلمان و منطقین و عرفا و نویسندگان و شعرا و علمای تاریخ و جغرافی و هنرمندان و نیز دانشمندانی که توجه خود را به علوم بحته و محضه معطوف داشته‌اند.

۳- توصیف و ارزیابی آثار علمی مهم که در شعب مختلف علوم و فنون از آن دانشمندان باقی مانده، اعم از چاپی و خطی، و راهنمایی برای دسترسی به آن آثار و توصیه به طلاب و دانشجویان برای تحقیق و احیای آثاری که تاکنون به اهل علم معرفی نشده است.

۴- توضیح و تحلیل و ریشه‌یابی افکار شیعی و مبانی فقهی و فلسفی و کلامی و عرفانی تشیع و تشریح اصطلاحات علوم و فنونی که به‌وسیله دانشمندان شیعه توسعه یافته، با بیان تحولی که به مرور زمان برای آن اصطلاحات در علما پیدا شده و تفاسیر و تعبیراتی که درباره آنها صورت گرفته است.

۵- معرفی آثار و ابنیه مهم تاریخی مانند مساجد و مدارس و خانقاه‌ها و کاروانسراها و آب انبارها و همچنین اماکن مخصوص عزاداری و ذکر فضائل علی - علیه‌السلام - و خاندان او مانند حسینیه‌ها و تکیه‌ها و نظائر آن .

۶- توصیف نهادهای اجتماعی که در مراکز شهری براساس قوانین کتاب و سنت و احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام - بنیان گذاری شده، همچون دواوین اداری و قضائی و سیاسی و نظامی و مانند آن.

آیا دایرةالمعارف تشیع فقط به معرفی شخصیت‌های شیعی پرداخته است؟

اختصاص این دایرةالمعارف به تشیع بدان معنی نیست که خدمات دانشمندان فرق دیگر به عالم اسلام و تمدن و فرهنگ و علوم اسلامی نادیده گرفته شده، بلکه هدف آن است که آن قسمت از اسلام که کمتر مورد عنایت و توجه قرار گرفته از گوشه‌های فراموشی بیرون آید و به جهان علم عرضه شود. بنابراین، این دایرةالمعارف در حقیقت متمم و مکمل دایرةالمعارف‌های اسلامی دیگر است که به قسمتهای دیگر اسلام پرداخته‌اند، با وجود این به مناسبت‌های مختلفی عناوین و مدخل‌های غیرشیعی در این دایرةالمعارف آورده شده و برای آنکه این خروج از محدوده تحت ضوابطی معین درآید معیارهای زیر برای آن در نظر گرفته شده است:

۱- چون از کلمه شیعه معنی عام آن یعنی «کل من یتولّى علیاً و اهل بینه» در نظر گرفته شده از فرق مختلف شیعه و عقائد اساسی آنان یاد شده است؛ چنانکه دانشمندان بزرگ شیعه همچون نوبختی و اشعری قمی در کتابهای خود تحت عنوان فرق الشیعه به ذکر آنان پرداخته‌اند.

۲- دانشمندان بزرگ دیگر فرق شیعه همچون فرقه زیدیه و اسماعیلیه و آثار و عقایدشان بطور اجمال یاد می‌شوند، چنانکه دانشمندان شیعه نیز آنان را مورد غفلت قرار نداده‌اند و بر همین اساس مجلسی - رضوان الله علیه - در بحارالانوار از برخی از آنان یاد و عقائد و افکارشان را نقل کرده و مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه آثار آنان را به نقل از فهرست مجدوع آورده است.

۳- دانشمندان اهل تسنن که در نشر مآثر علوی و فضائل و مناقب حضرت علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - سهمی بسزا داشته‌اند، همچون ابن ابی‌الحدید شارح نهج البلاغه و دانشمندانی مانند نسائی که کتاب خصائص خود را در مناقب حضرت - علی‌علیه‌السلام - و ابوجعفر اسکافی که المعیاروالموازنه خود را در افضلیت آن حضرت تألیف کرده‌اند، در این دایرةالمعارف یاد می‌شوند.

۴- دانشمندانی که به‌نحوی از انحا نامشان در کتب علمی شیعه آمده در دایرةالمعارف تشیع معرفی می‌شوند، مانند ابوالقاسم کعبی بلخی معتزلی که قول او به «انتفاء مباح» در کتب اصولی شیعی نقل شده و یا معتزلی که عقیده او در مورد «طقره» در کتب فلسفی شیعه دیده می‌شود.

۵- دانشمندانی که آثارشان مورد ردّ و نقص دانشمندان شیعه قرار گرفته و یا آنان که با شیعه مناقصات و مناظراتی داشته‌اند معرفی می‌شوند، مانند عبدالجبار معتزلی که قسمت امامت از کتاب المغنی او به‌وسیله سید مرتضی علم‌الهدی در کتاب الشافی فی الامامة مورد نقض قرار گرفته است و یا فخرالدین رازی که کتاب المتصل او را خواجه نصیرالدین طوسی تلخیص و نقد کرده است.

۶- شاعران و نویسندگان غیر شیعی ایرانی و عرب که قلم خود را به خدمت بیان فضائل حضرت - علی‌علیه‌السلام - و خاندان عصمت و طهارت و مدح منقبت آنان گرفته‌اند، در این کتاب یاد می‌شود و این شیوه مرضیه‌ای است که مرحوم علامه امینی نیز پسندیده و در کتاب نفیس الغدیر به‌کار برده است.

۷- در بیان و توضیح معانی و مفاهیم قرآنی هر چند تکیه بر تفاسیر شیعه بوده است، ولی آثار مفسران و قرآن‌شناسان معروف همچون کشاف زمخشری و الاتقان فی علوم القرآن جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی نادیده گرفته نشده است.

۸- در بیان مفاهیم و اصطلاحات فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی و عرفانی هر چند منابع شیعی اصل قرار داده شده ولی از جهت آنکه تطبیق و مقایسه‌ای هم صورت گرفته باشد، اشاره به عقائد دانشمندان دیگر شده است و این روشی بوده است که همه دانشمندان شیعه در کتاب و آثار خود بدان توجه کرده‌اند.

۹- متون و شروح درسی حوزه‌های علمی تشیع که به‌وسیله دانشمندان اهل سنت نوشته شده همچون سیوطی و مغنی و مطول و همچنین قاموس فیروزآبادی و فیات الاعیان ابن خلکان و معجم البلدان یاقوت حموی در دایرةالمعارف یاد می‌شود.

۱۰- رجالی که تشیع آنان مورد شک است، ولی به‌وسیله دانشمندانی همچون قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین و یا حسن صدر در تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام و یا عبدالله نعمه در فلاسفة الشیعه به عنوان شیعه یاد شده‌اند در دایرةالمعارف ذکر

اروپاییان در قرون وسطی به تقلید از جوامع علمی دانشمندان اسلامی همچون کتاب الحاوی محمدبن زکریای رازی در طب و کتاب اغراض مابعدالطبیعة ابن رشد در فلسفه که ترجمه‌های لاتینی آن در دسترس آنان بود، درصدد برآمدند که برای رفع نیازهای علمی خود مجموعه‌های مختلفی از علوم و فنون را گردآورند که همان مقدمه برای نگارش دایرةالمعارف‌هایی به معنی امروزی آن شد که شروع آن را می‌توان از قرن هیجدهم میلادی یاد کرد

می‌شوند تا تحقیق بیشتری درباره آنان صورت گیرد.

۱۱- چون ائمه شیعه - علیهم‌السلام - و بزرگان تشیع در طی حوادث تاریخی و زندگی سیاسی و مذهبی خود با مخالفانی روبرو بوده‌اند، برای آنکه آن حوادث و برخوردها کاملاً روشن‌تر و چهره سیاسی و مذهبی ائمه و بزرگان شیعه نمایان‌تر گردد، نام آن مخالفان در این دایرةالمعارف دیده می‌شود.

۱۲ - در مواردی که تفسیر و توجیه مطالب دینی و بیان اصطلاحات علمی نزد همه مسلمانان اعم از شیعی و غیرشیعی یکسان بوده و اختلافی وجود نداشته است، از منابع معتبری که به‌وسیله دانشمندان غیرشیعی نوشته شده نیز استفاده شده است.

از سوی این مرکز کتابی با عنوان «طرح تدوین دایرةالمعارف تشیع و فهرست عنوان مقالات» منتشر گردیده لطفاً بفرمایید هدف

از چاپ و نشر این کتاب چه بوده است؟

در این کتاب عناوین مقالات که از آنها تعبیر به مدخل می‌شود به ترتیب حروف الفبایی آورده شده است تا چهارچوب نخستین کار و اولین دورنمای دایرةالمعارف مشخص و معین گردد. این مدخل‌ها صورت نهایی دایرةالمعارف را نشان نمی‌دهد، بلکه برحسب تعیین حجم دایرةالمعارف و اشاراتی که از طرف علما و استادان فن به ما خواهد رسید جرح و تعدیل‌هایی در آنها صورت خواهد گرفت. با تقدیم این کتاب به خوانندگان گرامی چند فایده در نظر گرفته شده است: یکی آنکه علما و دانشمندان با ملاحظه این مدخل‌ها می‌توانند عناوینی را که از نظر تهیه‌کنندگان این جزوه مغفول مانده و حائز اهمیت است به آن اضافه کنند و برای ما ارسال دارند، دیگر آنکه اگر کسانی درباره هر یک از عناوین سابقه کار و با مدرک لازم را برای کار در اختیار دارند و یا خود را آماده برای تحقیق درباره هر یک از آن عناوین می‌بینند، به ما اطلاع‌دهند تا اگر تحریر آن مقالات به دیگران واگذار نشده از آنان استفاده شود، و فایده سوم آن کسانی که درباره برخی از عناوین اطلاعات و یا منابعی خاص در اختیار دارند ما را مطلع سازند تا از آن منابع با ذکر نام اطلاع‌دهنده استفاده شود.

برخی گمان می‌کنند که تدوین «دایرةالمعارف تشیع» ممکن است عاملی برای اختلاف شیعه و سنی گردد، نظر خود را در این زمینه بفرمایید؟

اما درباره دایرةالمعارف تشیع از بدو تأسیس ما این مسئله را در نظر داشتیم که تعصب خاصی در موضوع تشیع و تسنن پیش نیاید چرا که هر دو به اسلام تعلق دارند. اما به این خاطر که در دایرةالمعارف‌های دیگر مانند دایرةالمعارف اسلامی ترکیه و یا پاکستان یا بنگلادش کاملاً به مسائل مربوط به مسلمانان اهل سنت پرداخته شده است، حال آنکه ذکر چندان از شیعیان در آن به میان نیامده است. به این منظور ما در دایرةالمعارف تشیع هدف را بر این نهادیم که آن قسمت از اسلام را که در آن دایرةالمعارفها مورد غفلت قرار گرفته است، به دنیا عرضه کنیم. در گوشه و کنار این کشور دانشمندانی داشته‌ایم که هیچ تحقیق و معرفی درباره آنها صورت نگرفته مثلاً در کتابی که اینجانب در آن ۱۲ رساله چاپ نشده در منطق را معرفی کردم و آن کتاب را «منطق و مباحث الفاظ» نام نهادم، رساله‌ای به نام «الرسالة المحیطة بتشکيلات فی القواعد المنطقية» اثر دانشمندی به نام گیلانی از اهالی گیلان که رساله‌ای

انتقادی در باب منطق است، آورده‌ام.

در هیچ کجای دنیا اسمی از این شخص یا اثرش وجود ندارد. ما باید بتدریج فرهنگ اسلامی را که در ایران متمرکز بوده و بسیاری از دانشمندان آن را تأیید کرده‌اند. از جمله ابن‌خلدون که گفته است: «و جمله هذه العلوم اکثرهم العجم» - اما در کشورهای دیگر و حتی در میان ملل اسلامی ناشناخته مانده، معرفی کنیم. الان در خیلی از کشورهای اسلامی هم شهید ثانی یا محقق حلی یا شیخ حسن پسر صاحب معالم را نمی‌شناسند؛ حتی استادانی که فقه و اصول اسلامی را تدریس می‌کنند، نام آنها را نمی‌دانند و از ارزش علمی آثار اینان بی‌بهره مانده‌اند. تازه این فقط درباره فقه و اصول بود. در فلسفه و عرفان و کلام و منطق هم این عدم شناخت وجود دارد و اوضاع به همین منوال است.

در حال حاضر در کشور ما سه دایرةالمعارف مشغول به فعالیت در معرفی اسلام و فرهنگ اسلامی هستند که به جز دایرةالمعارف تشیع می‌توان از «دانشنامه جهان اسلام» و «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» نام برد. آیا فکر نمی‌کنید که این دایرةالمعارفها مانعی بر سر راه یکدیگر باشند؟

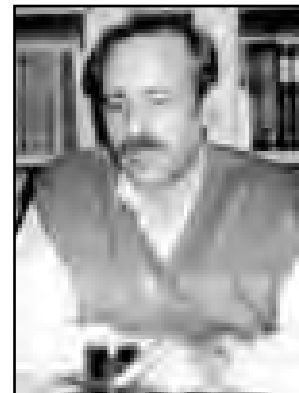
این دایرةالمعارف‌های موجود، مانعی در راه یکدیگر نیستند و خصوصاً اینکه این سه دایرةالمعارف دانشمندان بسیاری را به خود جذب کرده و به کار تحقیق واداشته است و خود در حقیقت به صورت یک آزمایشگاه علمی درآمده است.

در هر حال باید امیدوار بود که این مراکز تحقیقات جدی و اصلی را عرضه کنند که در معرفی اسلام و همچنین فرهنگ کشور ما مفید و مؤثر باشد.

به عنوان آخرین سؤال، برخی این نظریه را مطرح می‌کنند که پیشرفت دایرةالمعارف‌نویسی رکود علم را در پی خواهد داشت. چون اهل تحقیق به جای اینکه بروند در رشته‌های خاص مطالعه و تحقیق کنند و آن را ارتقا بدهند، معارف کلی از علوم به دست خواننده می‌دهند و سبب می‌شوند که همه خود را عالم بدانند. هر چند دایرةالمعارف‌نویسی خدمتی به علم است، اما آن را ترقی نمی‌دهد و تنها کلیاتی غیر عمیق از فرهنگ گذشته را ارائه می‌کند.

من فکر می‌کنم این بستگی به نوع دایرةالمعارف و کیفیت تألیف آن داشته باشد. بر فرض اگر شما سالهای متمادی در مورد آثار میرداماد زحمت کشیدید و نتیجه مطالعاتتان را در مقاله‌ای کوتاه نوشتید و منابع و مأخذ را هم ذکر کردید که احياناً اگر فرد دیگری خواست در آن مورد تحقیق کند و به آن منابع مراجعه کند، این با این موضوع که یکی فقیه شود یکی فیلسوف شود و یا دیگری منطقی بشود منافات ندارد.

در دانشگاه‌های بزرگ جهان هم وقتی موضوعی مطرح می‌شود، اول به سراغ دایرةالمعارفها می‌روند و به منابعی که در آنجا ذکر شده مراجعه می‌کنند تا ببینند منابع موجود در آن زمینه چیست. حالا اگر کسی کار را به همین اندازه منحصر کند و تحقیقاتش را ادامه ندهد، این طفره رفتن از علم است، ولی نمی‌شود گناه را به گردن دایرةالمعارف انداخت.



کار دایرةالمعارف تشیع از تیرماه ۱۳۶۱ ش آغاز شد. شش ماه اول را صرف مدخل یابی کردیم و ۲۰ هزار مدخل یا سرعنوان موضوعی که بعداً هر یک مقاله‌ای می‌شد در زمینه‌های مختلف از تاریخ و جغرافیای اسلام و ایران و تشیع، تا سیره چهارده معصوم و اصحاب آنان و راویان احادیث، و محدثان و مفسران و متکلمان و ادیبان و شعرای ادب عرب و ادبیات فارسی و ادب شیعی (از مناقب گرفته تا مراثی) و هنر (معماری، خط و حتی موسیقی) و یکایک علوم اسلامی و همه با تأکید و ربط شیعی (که این ربط شیعی و تکیه کلام ماست) و رجال و کتب و مفاهیم و موضوعات هر علم و فن و ادعیه و احادیث و معارف قرآنی و ادعیه و احادیث و نظایر آنها فراهم کردیم

به عنوان اولین سؤال از جنابعالی لطفاً مختصری از تاریخچه دایرةالمعارف تشیع و چگونگی شکل‌گیری آن بفرمایید؟

○ بارها و بارها درباره دایرةالمعارف تشیع مطلب نوشته‌ام گاهی در معرفی آن گاهی در پاسخ به بعضی انتقادهای و نیز کراراً در رادیو و تلویزیون و آخرین بار در کتاب «فرار از فلسفه» که زندگی خود نوشت فرهنگی‌ام است. در حدود سال ۱۳۶۰ بود که یک روز دوست دانشورم جناب آقای منوچهر صلوقی سه‌پا پیش بنده و کامران فانی آمدند و گفتند سازمانی هست به این نام و نشان و می‌خواهد کاری که باقیات و صالحات باشد در زمینه اسلام‌شناسی یا شیعه‌شناسی انجام دهد و من دیده‌ام که به تنهایی زورم به این کار نمی‌رسد، لذا از شماها مدد می‌خواهم. گفتیم لیبیک و قرار ملاقات گذاشتیم و بدین‌سان با بعضی از مسؤولان بنیاد خیریه فرهنگی طاهر آشنا شدیم که بودجه‌اش از بخشی از موقوفات مرحوم سیدابوالفضل تولیت - آخرین متولی آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام در قم تأمین می‌شد. یکی از مسؤولان بنیاد اسلامی طاهر جناب آقای سیداحمد صدر حاج سیدجوای بودند که در راه تحقق این هدف و از قول به فعل درآوردن دایرةالمعارف تشیع نزدیک به ۱۶ سال است که جانانه می‌کوشند و بنده بخوبی از جزئیات و کلیات این اهتمام والای ایشان خبر دارم. اولین بحث‌ها این بود که این اثر چه باشد. و قرار شد دایرةالمعارف باشد بحث مفصل بعدی این بود که آیا این دایرةالمعارف عمومی باشد یا خصوصی و تخصصی. بعدها که تخصصی بودن پذیرفته شد، بحث بر سر این بود که اسلامی و کلی و ناظر به همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی باشد یا خاص‌تر و محدود به تشیع. رأی اکثریت این بود که مربوط به تشیع باشد و در بحث‌های بعدی قرار شد که تمرکز اصلی‌اش بر تشیع امامی / اثنی‌عشری باشد، باتوجهی به تشیع زیدی و اسماعیلی. البته به رجال و کتب و تاریخ و فرهنگ و معارف تشیع زیدی و اسماعیلی به‌نحو استطرادی پرداخته می‌شود. زیرا ما محقق و نویسنده‌ای که در زمینه این مذاهب تخصص داشته باشد، در ایران امروز نداریم یا بسیار کم داریم، چنان‌که هنوز پس از ۱۶ سال هم کسی اعلام تخصص در این رشته‌ها و علاقه به همکاری با ما نکرده است. حاصل آن که برنامه کلی کار تصویب شد و ما عرضه داشتیم که لازم است یکی از استادان بزرگ بر این کار نظارت داشته باشد و در واقع مدیریت علمی این اثر را عهده‌دار شود. به پیشنهاد ما فردی که واجد شرایط علمی و مدیریت علمی باشد، آقای دکتر مهدی محقق است. به محض این پیشنهاد با کمترین بحث و تبادل نظر، تصویب شد که اگر ایشان تمایلی به قبول این مسوولیت داشته باشد، بنیاد اسلامی طاهر، با کمال افتخار می‌پذیرد و امکانات لازم را هم در اختیار قرار خواهد داد.

پس از آن که دکتر محقق مدیریت دایرةالمعارف تشیع را پذیرفتند. بنیاد اسلامی طاهر آپارتمانی برای تأسیس دفتر دایرةالمعارف اختصاص داد و از ما خواست هرچه زودتر یک کتابخانه تخصصی برای استفاده مؤلفان مقالات و نیز مراجعات خودمان فراهم آوریم.

ما هم در حدود سه تا چهار هزار عنوان کتاب اساسی و امهات متون از الذریعة آقا بزرگ تهرانی تا اعیان الشیعة امین عاملی و بحارالانوار مرحوم مجلسی و فهرست کتابخانه‌ها و کتب مرجع دیگر از فقهی و کلامی و رجالی و تفاسیر قرآن و غیره خریداری کردیم.

کار دایرةالمعارف تشیع از تیرماه ۱۳۶۱ ش آغاز شد. شش ماه اول را صرف مدخل‌یابی کردیم و ۲۰ هزار مدخل یا سرعنوان موضوعی که بعداً

هر یک مقاله‌ای می‌شد در زمینه‌های مختلف از تاریخ و جغرافیای اسلام و ایران و تشیع، تا سیره چهارده معصوم و اصحاب آنان و راویان احادیث، و محدثان و مفسران و متکلمان و ادیبان و شعرای ادب عرب و ادبیات فارسی و ادب شیعی (از مناقب گرفته تا مراثی) و هنر (معماری، خط و حتی موسیقی) و یکایک علوم اسلامی و همه با تأکید و ربط شیعی (که این ربط شیعی تکیه کلام ماست) و رجال و کتب و مفاهیم و موضوعات هر علم و فن و ادعیه و احادیث و مناقب و نظایر آنها فراهم کردیم که در رساله‌ای به نام طرح تدوین دایرةالمعارف تشیع و فهرست عنوان‌های مقالات زیر نظر دکتر مهدی محقق در سال ۱۳۶۲ انتشار دادیم.

باری از میان دوستان و مشاهیر از علمای حوزه و دانشگاه عده‌ای همکار ما شدند و به صورت حق‌الزحمه‌ای کار می‌کردند و چه حق‌الزحمه ناچیزی (از ناچاری) به نویسندگان می‌دادیم و هنوز هم می‌دهیم. با آن که حق‌التألیف مقالات را نسبت به سال اول در حدود ۲۰-۳۰ برابر افزایش داده‌ایم ولی هنوز به صرفه نیست.

در سال ۱۳۶۳ استاد دکتر مهدی محقق به صلاح‌دید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در آن ایام ریاست جمهوری ایران بودند، به طرح‌ریزی «دانشنامه جهان اسلام» (یک دایرةالمعارف اسلامی، مانند دایرةالمعارف اسلامی انگلیسی - فرانسه طبع لیدن) مشغول شدند، و از مدیریت و سرپرستی دایرةالمعارف تشیع کنار رفتند.

پس از رفتن ایشان، جناب احمد صدر حاج سیدجوادی سرپرستی ریاست علمی این دایرةالمعارف را عهده‌دار شدند. در سال ۱۳۶۶ نخستین مجلد این اثر شامل حدوداً دو هزار مقاله کوتاه و بدون امضاء منتشر گردید. در سال ۱۳۷۴ مجلد چهارم به عنوان کتاب سال در رشته مرجع‌نگاری شناخته شد و جایزه و لوح تقدیر دریافت داشت. در حدود سال‌های ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ تحولی در مورد موقوفه و مسأله وقف بنیاد اسلامی طاهر پیش آمد در نهایت آن موقوفه با صلاح‌دید بزرگان اهل حل و عقد به دانشگاه امام صادق (ع) پیوست و لذا بحران مالی، دایرةالمعارف نوبنیاد و لرزان تشیع را تهدید به تعطیل کرد. اما از آنجا که خداوند یاور درماندگان و مجیب مضطربان است فرج و فتوحی پدیدار شد. بنیاد خیریه و فرهنگی‌ای داوطلب شد که از دایرةالمعارف تشیع حمایت کند. لذا رسماً دایرةالمعارف تشیع با دارایی‌های ناچیز و بدهکاری‌ها و خرج و مخارج حال و آینده‌اش رفت به زیر بیرق مدیریت این بنیاد و بانویی کاردار به نام سرکار خانم فهیمه محبی که سهامدار عمده بنیاد خیریه شط بود، برای مدیریت داخلی سازمان دایرةالمعارف تشیع به ما پیوست. این بانو که هم همسر شهید است و هم مادر شهید فرزند هجده ساله برومندش سعید محبی در هنگام و هنگامه دفاع از خرمشهر به درجه رفیع شهادت نایل آمده است، با دل داغدار ولی با عزم استوار و همت مردانه و کاردانی هرچه تمام‌تر به جمع ما پیوست، عهده‌دار اداره امور و مسایل مالی و اجرایی و اداری شد. از این نظر پیش از همه مددکار جناب آقای صدر شد که پس از آن توانستند تمام هم و غم خود را معطوف و به مسایل علمی دایرةالمعارف کنند.

امروزه دایرةالمعارف تشیع با دو بال همت جناب صدر حاج سیدجوادی (از نظر علمی و فرهنگی) و سرکار خانم محبی (از نظر مالی - اداری) به نحوی خستگی‌ناپذیر پیش می‌رود و مجلد هشتم نیز به چاپ رسیده است که با انتشار آن، این دایرةالمعارف به نصف رسیده است، زیرا

دایرةالمعارف‌ها نشانه اعتبار هر کشورند. چرا در کشور ما نباید این پدیده رخ دهد که به استادی عالیقدر و دارای مقام علمی و توانا در نویسندگی بگویند اگر شما تمام وقت بخواهید برای ما کار کنید و ما در خدمت شما باشیم، چه کار باید انجام دهیم؟

چرا نباید بگویند کل مخارج سالانه شما را می‌پردازیم، شما تمام فکر و همتان را در دایرةالمعارف نویسی و تحقیق علمی قرار دهید

از اول هم بین ۱۰ تا ۱۲ جلد طرح‌ریزی شده بود و حسن این اثر در همین جمع و جور بودن دامنه آن است. از روز نخست جناب فانی و بنده با آینده نگری و واقع‌بینی مصرانه‌ای سعی کردیم که این اثر مانند آثار مشابهی که در تهران در دست تدوین است بی‌پایان و به قول خیام با هفت هزار سالگان سر به سر نباشد و در یک زمان‌بندی معقول حدوداً ۲۰-۲۵ ساله به پایان برسد.

سؤالی که از جناب آقای دکتر محقق دانشم، از شما نیز می‌پرسیم. سؤال این است که آیا فکر نمی‌کنید این دایرةالمعارف عامل اختلاف در جهان اسلام باشد، با توجه به اینکه یکی از شعارهای ما وحدت بین مسلمانان است؟

○ مهم این است که ما این دایرةالمعارف را مدافعه‌گرانه و متعصبانه و سنت (سنتی) ستیزانه تدوین نکرده‌ایم. شاید نقل خاطره‌ای در این باره مفید باشد. ۱۲-۱۳ سال پیش در زمانی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رییس جمهور بودند، یک روز رفته بودم به دفتر دانشنامه جهان اسلام که یک چند تصدی معاونت علمی آن با دوست دانشور مهریام شادروان دکتر احمد طاهری عراقی بود و با ایشان به اصطلاح اختلاط می‌کردیم. در همین حین باخبر شدیم که آیت‌الله خامنه‌ای که ریاست عالیة آن دانشنامه را عهده‌دار بودند بدون خبر قبلی و تشریفات برای بازدید به آن دفتر تشریف می‌آوردند. من آهنگ رفتن کردم که دکتر طاهری گفت: چرا عجله می‌کنید، چه اشکالی دارد که شما بمانید و بعد از بازدید آیت‌الله خامنه‌ای بروید. گفتم که بسیار خوب، می‌مانم.

ایشان تشریف آوردند و با صبر و حوصله تمام از اسم و رسم و کار و بار یکایک اعضا باخبر می‌شدند و با همه گفت‌وگو و گاه از کسی سؤالی می‌کردند، تا رسیدند به جایی که بنده و آقای دکتر طاهری عراقی ایستاده بودیم. سلام کردیم و ایشان با خوشرویی جواب دادند. دکتر طاهری بنده را معرفی کردند. ایشان با ملاحظت گفتند: بله من آقای خرمشاهی را می‌شناسم، بعضی از کتاب‌هایشان را هم دارم، مقالاتشان را که در نشر دانش و جاهای دیگر چاپ می‌شود می‌بینم. بعد نزدیک‌تر شدند و از من پرسیدند: خوب حالا چه می‌کنید؟ گفتم مشغول تدوین یک دایرةالمعارف هستیم. گفتند: در چه زمینه؟ گفتم: در زمینه تشیع، دایرةالمعارف تشیع است. همان که آقای دکتر محقق بنیان گذاشتند.

گفتند: چرا تشیع؟ گفتم: برای این که هنوز یک دایرةالمعارف جمع‌وجور و کامل به زبان فارسی درباره این کشور و ملت شیعه نداریم؛ اما حضرتعالی نگران نباشید، به نحوی تدوین کرده‌ایم که اگر باعث تقریب بین مذاهب نشود، ان شاءالله مایه تفرقه هم نخواهد بود. نگرانی ایشان را درست حدس زده بودم، زیرا قانع شدند و گفتند: هرچه در این زمینه دقت و احتیاط کنید جا دارد. البته عین الفاظ آن گفت‌وگوی ۱۲-۱۳ سال پیش را به یاد ندارم، اما معانی و مضامین در همین مایه بود.

مشکلاتی که در کار دایرةالمعارف تشیع بر سر راه دارید کدامند؟

○ مشکلات دایرةالمعارف‌نویسی در جهان به ویژه ایران زیاد است که به طنز باید دایرةالمعارف تشیع را کنار بگذاریم و دایرةالمعارف مشکلات را منتشر کنیم! من این مشکلات را به سه بخش انسانی، منابع علمی (به ویژه کتابخانه‌ای) و مالی تقسیم می‌کنم که البته مشکل سوم دومشکل اول را دامن می‌زند و وضعیت را وخیم‌تر می‌کند. اگر این مشکل سوم حل شود که ما تاکنون ندیده‌ایم برای سازمانی یا دایرةالمعارف حل شده باشد، آن دو مشکل دیگر هم کمابیش حل خواهد شد؛ یعنی می‌توان از این راه نیروی انسانی هم پرورش داد. در ایران - حتی در این دایرةالمعارف کوچک تشیع، پرورش نیروی متخصص به دلیل احساس ضرورت رخ داد و ما توانستیم دست کم چهار و پنج مؤلف درخور پرورش دهیم. البته قصد ندارم بگویم ما اینها را پرورش دادیم، خیر خودشان استعداد داشتند و پیگیری و ممارست نشان دادند و با استفاده از امکانات اینجا خود را پرورش دادند. در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی شاید

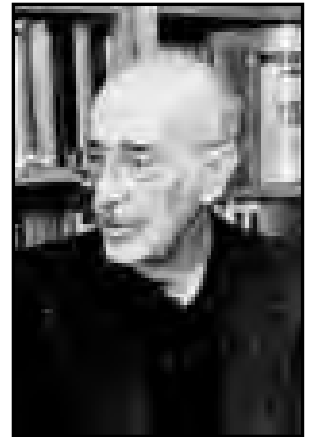
سپاهی از مولفین دایرةالمعارف‌نویس پرورش یافتند که امکاناتشان با ما قابل قیاس نیست. صحبت درباره مشکلات مالی توضیح واضح است. شما ببینید برخی علمای بلندمرتبه حوزه و دانشگاه نوشتن عادت دست‌شان نیست و یا به تعبیر بنده نوشتن رسانه اصلی‌شان نیست. برخی نیز که هم علم دارند، هم تخصص، هم دقت و هم صلاحیت علمی، امکانات اجتماعی ندارند. به این معنا که یک استاد با داشتن تخصص علمی و فضایل نویسندگی در گروه کلاس‌های درسی و از این دانشگاه به آن دانشگاه رفتن است. پدیده‌ای که بنده به طنز آن را مسافرخشی علمی می‌نامم؛ یعنی در جایی سخنرانی می‌کنیم و در جای دیگر درس می‌دهیم و در جایی راهنمای تز دانشجوی می‌شویم و بعد از نشریه‌ای سردر می‌آوریم و مقاله‌ای می‌نویسیم، آثار خودمان را غلطگیری می‌کنیم، با این حال زندگی مادی‌مان تأمین نیست. کسی و جایی نیست که بگوید تأمین مالی با ما، شما دایرةالمعارف بنویسید.

دایرةالمعارف‌ها نشانه اعتبار هر کشورند. چرا در کشور ما نباید این پدیده رخ دهد که به استادی عالیقدر و دارای مقام علمی و توانا در نویسندگی بگویند: اگر شما تمام وقت بخواهید برای ما کار کنید و ما در خدمت شما باشیم، چه کار باید انجام دهیم؟

چرا نباید بگویند کل مخارج سالانه شما را می‌پردازیم، شما تمام فکر و همتان را در دایرةالمعارف نویسی و تحقیق علمی قرار دهید. در میان هزار تن از کسانی که در تهران چندین دایرةالمعارف را می‌نویسند، شاید پنج نفر هم نباشند که تمام هزینه‌های زندگی‌شان از طرف سازمانی پرداخت شود و آنها همه توانایی و خدمات علمی‌شان را بدهند به آن سازمان. درباره مشکلات منابع و کتابخانه باید گفت که تنها با یک نمایشگاه بیشتر تبلیغی کتاب نمی‌توان مشکلات کتاب مملکتی را از میان برداشت. منابعی که ما داریم یا قدیمی است (آنجا که به مسایل روز مربوط می‌شود) و یا برای به دست آوردن کتاب‌هایی به زبان‌های گونه‌گون عربی، انگلیسی و دیگر با مشکلات بسیار روبه‌رویم. به گمان من مسوولان باید توجهی عام و تام به این مقوله کنند. دو فروشگاه کتاب که در آنها کتب عربی و انگلیسی ارائه شود، زیر نظر وزارت ارشاد یا علوم راه‌اندازی و به طور فعال کار کند و کتاب‌های موردنیاز محققان را در زمانی اندک تهیه کند، مشکل حل خواهد شد. یک راه حل دیگر آن که سازمان اوقاف می‌تواند در این امور فرهنگی فعالیت کند و سهمی بیش از پیش داشته باشد. بدین‌گونه که ببیند آیا کسانی هستند که بخواهند یا بشود بخشی از دارایی‌شان را صرف نشر دایرةالمعارف و بهبود وضع دانشنامه‌نویسی کنند، یا خیر؟ اگر امکان بهره بردن از دو مرفهة این چنینی برای خود ما میسر نبود، در نشر دایرةالمعارف تشیع مشکلاتمان خیلی بیشتر از این‌ها می‌نمود.

برخی نظر می‌دهند که برای کاستن از مشکلات گریبانگیر دانشنامه‌ها، شایسته است که همه را در یک سازمان یا جایی متمرکز کرد. سپس همه نیرو و هزینه را صرف تهیه و نشر دانشنامه‌ای در زمینه‌ای خاص کرد و پس از آن که این دانشنامه به سرعت و با شتاب کامل شد و دایرةالمعارف و فرهنگنامه‌ای دیگر در موضوعی دیگر پرداخت، چه عقیده‌ای دارید؟

○ من گمان نمی‌کنم چنین کاری شدنی باشد. اهداف دامنه‌ها و ماهیت‌های هر دانشنامه‌ای متفاوت است. اینها قرار نیست همدیگر را تکرار کنند. شاید دایرةالمعارف‌های سه گانه کبیرا و وسطا و صفرا نزدیک هم باشند و یا حتی شاید بتوان دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را با دانشنامه جهان اسلام که بی‌شبهت به هم نیستند و مؤلفان و پژوهندگان مشترکی دارند، ادغام کرد. اما تشیع را نمی‌توان. دایرةالمعارف‌های دیگر نیز چنین‌اند. دانشنامه زبان و ادبیات فارسی کجا و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان و یا دایرةالمعارف علوم اجتماعی و یا سینما کجا؟



پیشتر گمان می کردیم کل کار در ده جلد عرضه شود، ولی در جلد سوم دیدیم مطالب مهم هستند و برخی مقالات را مجبوریم با تفصیل بیشتری ارائه دهیم و با در نظر گرفتن این مورد، امیدواریم تا ۱۴ جلد آن را منتشر کنیم

دایرةالمعارف تشیع نخستین بار کی، چگونه و به چه انگیزه‌ای شکل گرفت؟

در تشکیل مؤسسه دایرةالمعارف تشیع، ما مرهون فکر و عقیده و دارایی مرحوم سیدابوالفضل تولیت متولی آستانة حضرت معصومه(س) بودیم. ایشان اموال خود را وقف کردند تا این دارایی‌ها برای کمک به مردم و دانشگاه‌ها تعلیم و تعلم و ترویج فرهنگ شیعه به مصرف برسد. صیغه عقد وقف را آقای هاشمی رفسنجانی خواندند و من تصرف وقف را قبول کردم. پس از فوت ایشان به هیأت مدیره طاهر که ایشان آن را برای به مصرف رساندن اموال در راه خیر تشکیل داده بود، پیشنهاد شد که به تدوین دایرةالمعارف بپردازند که جایش در جامعه ایران و به‌ویژه در فرهنگ شیعه بسیار خالی بود، اگر چنین دایرةالمعارفی هم وجود داشت، بسیار ناقص یا مغرضانه بود، یا اینکه حتی بعضی درباره اعلام، برخی در احادیث، پاره‌ای در زمینه فقه و اصول شیعه و از این دست بودند که همه اینها در یک جا به طور کامل جمع نبود.

هیأت امنا بی‌درنگ پیشنهاد را پذیرفت و مقرر شد از عواید و اموال مرحوم تولیت در شرکت طاهر ماهیانه دویست هزار تومان بدهند تا این دایرةالمعارف زیر نظر بنده تدوین شود. بنابراین نخستین بار در دی ماه سال ۱۳۶۰ هیأت علمی تشکیل شد که شامل آقایان بهاءالدین خرمشاهی - کامران فانی، و دکتر منوچهر صدوقی سها بود. اینان نیز مصلحت دانستند از دکتر مهدی محقق دعوت کنند و با پذیرش ایشان سرپرستی دایرةالمعارف به عهده ایشان گذاشته شد. بنده هم دورادور به عنوان رابط میان شرکت طاهر و مسوولین تدوین دایرةالمعارف با آنها همکاری می‌کردم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ طرحی برای تدوین آماده کردند و در آن مشخص شد که ما چه مطالبی را باید تدوین کنیم و مدخل‌ها و موضوعات و مسایل آن چه باید باشند و چگونه باید نوشته شوند. طرحی چاپ شد و در سال ۱۳۶۹ در دسترس بیشتر دانشمندان و استادان قرار گرفت تا اگر پیشنهادی دارند و یا نقص و کمبودی در آن می‌بینند با ما در میان بگذارند تا ما در طرح اصلی آنها را مد نظر قرار دهیم. انگیزه اصلی هم چنان که کامیاب اشاره کردم، نبود مجموعه‌ای از فرهنگ و تمدن شیعه از ابتدا تا زمان کنونی و تلاش برای فراهم کردن چنین مجموعه‌ای و در اختیار مردم گذاشتن آن بود.

ملاک و معیاری که برای تهیه مقالات در نظر گرفته شد، چه بود؟

ابتدا تعدادی از نویسندگان و پژوهندگان دعوت شدند و ایشان مطالب و مقالاتی می‌نوشتند که طول آنها زیاد بود؛ برخی نزدیک به ده صفحه بزرگ و مفصل به صورتی که یک مدخل شاید پنج یا شش صفحه دایرةالمعارف را اشغال می‌کرد. نزدیک به بیش از سی چهل مقاله تهیه شده بود که دکتر مهدی محقق به دلیل اشتغال به کار در جایی دیگر، از سرپرستی دایرةالمعارف استعفا دادند و هیأت امنا سرپرستی آن را به عهده بنده گذاشت. در این زمان دیدم تهیه مقالاتی به این صورت مدتها وقت می‌خواهد و مبالغ زیادی نیز بودجه می‌خواهد. تصمیم گرفتیم مقالات را به صورت کلیدی بنویسیم. یعنی مقالات کوتاه باشد و عصاره و لب مطلب را بیان کنیم. چه در

شرح واقعه‌ای تاریخی چه در زمینه محلی جغرافیایی و یا درباره شخصی از بزرگان شیعه و از این دست مبنا کوتاهی و بیان اهم مسایل باشد تا کلیدی به دست پژوهنده دهد و برای تفصیل و اطلاع بیشتر به منابع ذکر شده رجوع کند.

گردش کار در دایرةالمعارف تشیع چگونه است؟

مابراساس آن طرحی که ابتدا تدوین کردیم، مقالات مورد نیاز را مشخص می‌کنیم و نوشتن مقالات را در هر زمینه به نویسندگانی که در آن زمینه تخصص دارند؛ می‌سپاریم. برای نمونه برای یکی فهرستی تهیه می‌کنیم که تخصص و دانش ایشان در زمینه زندگی‌نامه‌نویسی است. یا یکی دیگر مقالاتی را می‌نویسد که در واقع شرح امکان بزرگان است. دیگری به مسائل کتابداری و یا فقهی آگاهی دارد و مدخل‌های مربوط به کتاب یا فقه را به ایشان می‌سپاریم و مانند این. مقالات پس از نگارش به خانم فهیمه محبی مدیر اجرایی دایرةالمعارف سپرده می‌شود و ایشان پس از کلمه‌شماری و تعیین مبلغ حق‌الزحمه، آن را در اختیار یکی از افراد هیأت علمی می‌گذارند. پیشتر هر کلمه پانزده ریال حق‌الزحمه داشت، بعدها کم‌کم بیست ریال، پنجاه ریال و اینک برای هر کلمه حدود هشتاد ریال حق‌الزحمه تألیف می‌دهیم که قرار است این حق‌الزحمه را در حد توان مالی افزایش دهیم. مقاله دست نوشته را سه نفر، بنده، خرمشاهی، فانی بررسی و سپس ویراستاری می‌کنیم. هر کدام از ما تعدادی مقاله را با خود می‌برند و پس از تکمیل در اختیار دایرةالمعارف می‌گذارند. در میان ما سه نفر دیگر تخصص مطرح نیست و از بار علمی مقالات در هر زمینه که باشند، چون بیشتر به وسیله یک متخصص در آن زمینه نوشته شده، مطمئن هستیم. آنگاه همه این مقالات در اختیار من قرار می‌گیرد و من از نظر خط‌الرسم و ویراستاری در آنها دقت می‌کنم. مقالات پس از تصحیح، حروفچینی می‌شوند. نتیجه حروفچینی شده باز در اختیار هیأت علمی گذاشته می‌شود. ما سه نفر از نویسندگان مقالات نیز هستیم که بنا بر تخصص خودمان اگر برای نویسندگانی که در آن زمینه تخصص دارد گرفتاری‌ای پیش آید و نتواند مقاله را بنویسد و در موعد مقرر به ما برساند می‌نویسیم.

در مرحله بعدی مقالات الفبایی می‌شوند و پس از تکمیل و تهیه ماکت برای چاپ و گرفتن فیلم و مراحل بعدی آن و سپس صحافی فرستاده می‌شوند.

تاکنون چند جلد چاپ شده و در کل دایرةالمعارف تشیع در چند جلد آماده خواهد شد؟

تاکنون هشت جلد (در سال ۶۶ جلد اول، ۶۹ جلد دوم، ۷۰ جلد سوم و آخر ۷۳ جلد چهارم) بطور پی در پی منتشر شده است و امیدواریم هر یک تا دو سال یک جلد را آماده چاپ و روانه بازار کتاب کنیم. و در حال حاضر جلد هشتم به چاپ رسیده است و در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال ۱۳۸۰ آن را در معرض فروش قرار خواهیم داد. مدخل تشیع را هم به دلیل اهمیت آن به طور جداگانه و در یک جلد منتشر کرده‌ایم. همچنین پیشتر گمان می‌کردیم کل کار در ده جلد عرضه شود، ولی در جلد سوم دیدیم مطالب مهم هستند و برخی

به عقیده من اگر در خانه هر شیعه‌ای چنین دایرةالمعارف باشد، افراد آن خانواده می‌توانند درباره هر مساله‌ای که فردی شیعه بدان نیاز دارد در این دایرةالمعارف مطلبی روشن‌گر بخوانند، به‌ویژه جوانان که بیشترشان حوصله مراجعه به کتابهای زیاد و متفاوت را ندارند و می‌توانند همه مسائل مربوط به شیعه از مفاهیم، افراد، وقایع، اصول و... را در یک جا و به آسانی در این دایرةالمعارف بیابند و بخوانند

در این میان در سال ۱۳۶۹ سرکار خانم محبی که مادر شهید هستند و در زمان طاغوت هم همسرشان - خلبان محبی - در سانحه‌ای هوایی از دست رفتند، اموال فرزندشان سعید محبی را بنا بر وصیت خود آن شهید مبنی بر صرف اموال در کار خیر و با آگاهی یافتن از این مشکل دایرةالمعارف، در اختیار ما گذاشتند

زکات چقدر است، نماز میت یا وحشت چگونه خوانده می‌شود، خلاصه زندگی امامان چگونه بوده است، آرامگاهها و بقعه‌ها و امامزاده‌های اهل شیعه چه نام دارند و کجا هستند و...

شنیده شده زمانی برخی بستگان مرحوم تولیت علی‌رغم خواست و اقدام شایسته ایشان درصدد پس گرفتن اموال آن مرحوم برآمدند و به ظاهر حتی آن دویست هزار تومان ماهیانه‌ای که اشاره کردید نیز قطع شد. ممکن است قضایا را به گونه‌ای روشن تر توضیح دهید؟

بله این نکته باید به طور کامل روشن شود که ما از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۶ ماهی دویست هزار تومان از عواید شرکت (طاهر) (اموال مرحوم تولیت) اعتبارمان را تأمین می‌کردیم. در آن سال برخی وراث آن مرحوم که نسبتی دور با ایشان داشتند، از طریق دادگستری اموال را توقیف کردند و این عواید به طور کلی از دایرةالمعارف قطع شد. در این میان در سال ۱۳۶۹ سرکار خانم محبی که مادر شهید هستند و در زمان طاغوت هم همسرشان خلبان محبی در سانحه‌ای هوایی از دست رفتند، اموال فرزندشان سعید محبی را بنا بر وصیت خود آن شهید مبنی بر صرف اموال در کار خیر و با آگاهی یافتن از این مشکل دایرةالمعارف، در اختیار ما گذاشتند. پس از چاپ دوم و پس گرفتن اموال مرحوم تولیت گرفتار قرض‌ها و مشکلات و تنگناهایی مالی شده بودیم که اگر این همراهی خانم محبی نبود، معلوم نبود ادامه کار به چه شکل درمی‌آمد. ایشان ناگهان خانه و وظایف خانه‌داری را با اطلاع از مشکلات دایرةالمعارف در حاشیه نهادند و پشت میز نشستند و همه امور اجرایی و مالی دایرةالمعارف را به عهده گرفتند؛ چنان که حتی خانه مسکونی خود را فروختند تا با پول آن جلدهای سوم تا هشتم دایرةالمعارف تشیع منتشر شود.

ایشان در هیچ چیزی از تحقیق و اداره و مسایل اداری و از این دست نمی‌دانست، با صداقت و تلاش و پشتکاری که داشت، به جزئیات وارد شد و ما مرهون باری ایشان هستیم.

اکنون تنها ساختمان دایرةالمعارف در اختیار ماست که البته مالکیت آن در دست جامعه امام صادق(ع) است و این جامعه قبول کرده مادام که این دایرةالمعارف را تدوین می‌کنیم، همین جا مستقر باشیم و اجاره‌ای هم ندهیم. البته این ساختمان از طرف مرحوم تولیت در اختیار ما قرار گرفته بود که پس از ایشان جامعه امام صادق(ع) نیز آن را از ما نگرفتند.

مقالات را مجبوریم با تفصیل بیشتری ارائه دهیم و با در نظر گرفتن این مورد، امیدواریم تا ۱۴ جلد آن را منتشر کنیم.

موانع و مشکلاتی که سر راهتان هست کدامند و چه پیشنهادی برای حل آنها دارید؟

ما بیشتر گرفتار کندی کار نویسندگان هستیم و ایشان چون مشغله زیادی دارند نمی‌توانند چنان که ما می‌خواهیم مقالات را به سرعت در اختیارمان بگذارند. این تأخیر موجب دیرکرد در چاپ و انتشار جلدها می‌شود که البته نمی‌توان گرفتاریهای روزمره آنها را نادیده انگاشت. کسانی هم برای همکاری ابراز تمایل می‌کنند، ولی چون تازه کارند و باید وقت زیادی را صرف آموزش آنها کرد، نمی‌توانیم از آنها کمک بگیریم تا مقالات زودتر نوشته شوند. نداشتن منابع هم از دیگر مشکلات ماست که ما منابع بسیار کمی در اینجا داریم و در این زمینه مرهون زحمت نویسندگانی هستیم که منابع را خودشان تهیه می‌کنند. از گرانی کاغذ و وسایل چاپ که بگذریم، مشکل عمده عدم استقبال مردم است. مردم باید به گونه‌ای از دایرةالمعارف‌ها استقبال کنند که دست‌اندرکاران دایرةالمعارف تنها با فروش جلدهای منتشر شده بتوانند بخشی از هزینه‌ها را جبران کنند. شما ببینید در برخی کشورهای دیگر این کارها چگونه با استقبال روبه‌رو می‌شوند. چند سال قبل نماینده‌ای فرهنگی از ترکیه آمده بود اینجا و می‌گفت آنجا مردم چنان استقبال می‌کنند که همین دایرةالمعارف اسلامی ترکی در تیراژی برابر با هفتاد تا هشتاد هزار برای هر جلد منتشر می‌شود و به سرعت کمیاب یا حتی نایاب می‌گردد. ملاحظه کنید در کشوری لائیک که به مذهب معتقد نیست چنین دایرةالمعارفی با این شماره نسخه به فروش می‌رود و کمیاب می‌شود آنگاه در کشوری اسلامی دایرةالمعارفی چون تشیع را باید با مشکلات فراوان و دست بالا هر شماره جلد را در پنج هزار جلد منتشر کنیم که البته شماری از آن هم در انبار می‌ماند، چون کسی نمی‌خرد، حالا توان خرید ندارد یا اینکه اصلاً علاقه‌ای در خود نمی‌بیند، به هر دلیل اگر مردم می‌خریدند و یا افراد و نهادهایی خیر تعدادی از آن را می‌خریدند و به کتابخانه‌ها یا افراد علاقه‌مند و یا محققان می‌دادند، دست کم این چند هزار نسخه در انبار خاک نمی‌خورد.

به عقیده من اگر در خانه هر شیعه‌ای چنین دایرةالمعارفی باشد، افراد آن خانواده می‌توانند درباره هر مساله‌ای که فردی شیعه بدان نیاز دارد در این دایرةالمعارف مطلبی روشن‌گر بخوانند، به‌ویژه جوانان که بیشترشان حوصله مراجعه به کتابهای زیاد و متفاوت را ندارند و می‌توانند همه مسائل مربوط به شیعه از مفاهیم، افراد، وقایع، اصول و... را در یک جا و به آسانی در این دایرةالمعارف بیابند و بخوانند.



یکی از اعضای هیأت علمی دایرةالمعارف تشیع جنابعالی می‌باشید. لطفاً قبل از هر چیز درباره کار اصلی و علاقه شخصی خود توضیح بفرمایید؟

○ کار اصلی و علاقه شخصی بنده کتابداری و مرجع‌شناسی است، کاری که در کشور ما کمبود آن چشمگیر است، یعنی اشکال ما این است که منابع را نمی‌شناسیم. مرحوم مینوی قول معروفی دارد که می‌گوید: «داشتن منابع پاسخ به نیمی از پرسشهاست». یعنی هر سؤالی که داشته باشید اگر منبع و یا منابع را بشناسید، درواقع پاسخ نیمی از سؤال را پیدا کرده‌اید، نیم دیگر آن هم جستجو و فکر و تعمق در آن است. بنابراین منبع و مرجع‌شناسی به ویژه در جامعه امروزی ما که اطلاعات و دانش‌ها گسترش عظیم یافته‌اند، اهمیت بسیار دارد. این گسترش اطلاعات مهم از راه پرسش به دست می‌آید. جامعه‌ای که در آن پرسش مطرح نباشد، جامعه‌ای مرده و راکد است. جامعه‌ای زنده و پویاست که در آن پرسش‌های متفاوت مطرح شود و راه پاسخگویی بدان نیز مشخص گردد. یکی از راههای مهم در این زمینه بهره‌گیری از کتابهای مرجع است.

به نظر شما دایرةالمعارف چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۱- نظم خاص: براساس نظم الفبایی که دستیابی به اطلاعات از این راه آسانتر است، نظم موضوعی که اطلاعات براساس موضوع ترتیب یافته‌اند. نظم تاریخی که براساس تاریخ وقوع آگاهی ما را ارائه می‌کند.

۲- بی‌طرفی: که یکی از ویژگی‌های اساسی آن است. اطلاعات باید به گونه‌ای باشند که هر قدر ممکن است از جانبداری در آنها فاصله گرفته شده باشد. در مقالات دایرةالمعارفی نباید داوری و ارزش‌گذاری رخنه کرده باشد. زیرا داوری باید بر اساس اطلاعات داده شده و از طرف خود خواننده و مراجعه‌کننده صورت گیرد.

۳- ایجاز: یعنی دایرةالمعارف باید اطلاعاتی خیلی اجمالی به خواننده بدهد، حتی دایرةالمعارف‌های تخصصی نیز معلومات عمومی و تخصصی را در خود جای داده‌اند. اگر موجز بودن در این راه نادیده گرفته شود سبب بزرگ و حجیم شدن بی‌مورد دایرةالمعارف خواهد شد.

لغت دایرةالمعارف از کجا پیدا شد و آیا ما در گذشته هم دایرةالمعارف داشته‌ایم و اگر پاسخ مثبت است چه تفاوتی با دایرةالمعارف‌های جدید داشته‌اند؟

○ لغت دایرةالمعارف هم لغتی جدید است. لغتی است که در قرن نوزدهم از «انسیکلوپدیا» ترجمه شد: لفظ «سیکل» به معنای دایره و «پدیا» به معنای «معرفت» که در مجموع می‌شود «دایرة معرفت» این لغتی است که در گذشته به این منظور به کار می‌رفته است.

اما در جواب سؤال دوم دایرةالمعارف‌نویسی به مفهوم کلی آن را به تقریب از قرن دوم و سوم شروع کرده بودیم و خیلی از کتابهای ما مثل ادب «الکاتب» به یک معنی دایرةالمعارف‌اند، و حول مجموعه‌ای از اطلاعات و معارف را جمع کرده‌اند، ولی فرق اساسی دایرةالمعارف جدید یا قدیم در محتوا نیست بلکه در شکل است. شکل دایرةالمعارف امروزی به نوعی است که خواننده را به سهولت به مطلب موردنیازش ارجاع می‌دهد. در قدیم کارها امری فردی بوده

اما امروزه گروهی است و خیلی کم می‌بینید که کسی دایرةالمعارفی را به تنهایی پدید بیاورد. پیشینه کار گروهی متأسفانه اکنون به ذهنم نمی‌آید که از چه زمانی همکاری گروهی برای پدید آوردن دایرةالمعارف شکل گرفت.

همان‌طور که جناب آقای صدر حاج سیدجوادی اشاره کرده‌اند ازجمله کسانی که کار ویرایش دایرةالمعارف تشیع را برعهده دارد جنابعالی هستید بفرمایید ویرایش چه نقشی در دایرةالمعارف‌نویسی دارد؟

○ ویرایش یکی از بخش‌های اساسی هر دایرةالمعارف است. طبیعی است دایرةالمعارف‌هایی که کار در آنها گروهی بوده، مقالاتی دارند که به قلم چند نویسنده است و این تعدد نویسندگان باعث می‌شود که زبان و لحن مقالات متفاوت بنماید. کار گروهی نیاز به هماهنگی دارد و هماهنگی در زبان و لحن آن به عهده ویراستار است.

وقتی مقاله‌ای نوشته می‌شود، چون نویسندگان متعددی باید نگارش آنها را به یک سنخ و شیوه درآورد. از اینجاست که مسأله بسیار مهم ویراستاری برای دایرةالمعارف مطرح می‌شود. از آنجا که ویرایش در بهبود شکل دایرةالمعارف اثرگذار است، این قسمت در اهمیت دادن به هر دایرةالمعارف سهمی بسیار دارد. این کار در گذشته هم صورت می‌گرفته و کلمه تهذیب به همین دلیل به کار می‌رفته است. نمونه‌اش کتاب معروف بطلمیوس است که فردی آن را ترجمه کرده و فرد دیگری که در آن زمینه تخصص داشته آن را با متن اصلی مقابله و ویرایش یا به اصطلاح تهذیب کرده است. کار ویراستار در اصل بر دو نوع است: زبانی و محتوایی. ویراستار زبانی لحن و زبان مقالات را که به قلم نویسندگان متفاوتی نوشته شده نزدیک و همگون می‌کند.

دایرةالمعارف پاسخگو به سؤالات است و باید که صحت و دقت داشته باشد، یعنی اطلاعاتی که به فرد می‌دهد باید دقیق و صحیح باشد و این ویراستاران محتوایی‌اند که باید بررسی کنند و اغلاط و اشتباهات را اصلاح کنند. ویراستاری دایرةالمعارف کاری بسیار شاق و مشکل است و نیروی بسیار می‌خواهد که مقالات متفاوت دیگران در زمینه‌های گوناگون از سوی ویراستار پیرایش شود. البته ویراستاری با همه زحمات ویراستار کاری بی‌ارح نیز هست، چون به هر حال مقالات سرانجام به نام او هم درنمی‌آید و گاهی اوقات نویسنده مقاله حتی با او چک و چانه می‌زند!

گاهی اوقات ویرایش زبانی اهمیتی ویژه می‌یابد، شما نگاه کنید به فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. نویسندگان که برای نمونه، تخصصی در فیزیک دارند مقاله‌ای می‌نویسند که ویراستار باید آن را در حد فهم کودکان و نوجوانان کند. اگر از این لحاظ در نظر بگیریم، ویرایش زبانی برای آن‌ها خیلی حیاتی است.

گفت و گو با خانم فهیمه محبی (مدیر داخلی دایرةالمعارف تشیع)



به نظر من برای آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن شیعی و افکار و آثار تشیع باید دایرةالمعارف تشیع تدوین می‌شد و در اختیار آنان قرار می‌گرفت

لطفاً خودتان را برای خوانندگان کتاب ماه کلیات معرفی کنید؟

○ فهیمه محبی هستم. در سال ۱۳۰۹ در یک خانواده مذهبی در تهران به دنیا آمدم و تنها فرزند خانواده بودم. تا سیکل خواندم و بعد ازدواج کردم.

چطور به یک مدیر موفق فرهنگی تبدیل شدید؟

○ از نظر مدرک گفتم که بیش از سیکل ندارم، اما چون پدری داشتم دانشمند و همسری انسان پرور، از این جهت می‌توانم گفت در خدمت چنین استادانی بودم و تقریباً فهمیدم برای چه در دنیا هستم.

از سعید و نحوه شهادت ایشان برای ما بگویید؟

○ سعید شهیدم نه تنها فرزندی لایق برای من و پدرش، بلکه فرزندی پرافتخار برای کشور بود و از ثمره خون پاکش کتاب دایرةالمعارف تشیع در دسترس همگان قرار گرفت. از نحوه شهادت سعید سؤال کردید. باید عرض کنم شش ساله بود که پدرش به شهادت رسید. به دوازده سالگی که رسید به اتفاق به لندن رفتیم تا اینکه در تابستان ۵۹ قبل از این که در ایران جنگ تحمیلی شروع شود، به من گفت باید به وطن برگردیم، ابرقدرتها می‌خواهند ایران را مورد تهاجم قرار دهند. آمدیم و همچنان که می‌دانید روز آخر شهریور حمله شروع شد. سعید فوراً داوطلبانه و با عزمی راسخ به سوی جبهه شتافت و خود را به هوانیروز معرفی کرد. او مدتی با هوانیروز همکاری نزدیک داشت تا اینکه ظهر روز جمعه دوم آبان ماه ۵۹ در هلی کوپتر مورد حمله میگ‌های متجاوز عراقی قرار گرفت و پس از اصابت تیر به سرش در صحن مسجد جامع خرمشهر جان به جان آفرین تسلیم کرد. شهید شد و با رفتنش که دنباله‌رو خط پدرش و خط سرخ شهادت بود مرا از خواب غفلت بیدار کرد. به من فهماند که منم باید خط زینبی را انتخاب

کنم و چنین شد که در راه‌های فرهنگی قدم گذاشتم.

از کارهای فرهنگی سخن گفتید چه شد که تصمیم گرفتید دایرةالمعارف تشیع را ایجاد کنید؟

○ دایرةالمعارف تشیع از اواخر سال ۱۳۶۰ شمسی برای انجام یک کار فرهنگی تأسیس شد ولی من از سال ۱۳۶۹ شمسی اداره امور داخلی دایرةالمعارف را به دست گرفتم و اعتبارات لازم را برای تهیه و مقالات و سپس تهیه کاغذ، چاپ و نشر از محل اموال موروثی شهید محبی و اموال خود تأمین و پرداخت می‌کردم. به نظر من برای آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن شیعی و افکار و آثار تشیع باید دایرةالمعارف تشیع تدوین می‌شد و در اختیار آنان قرار می‌گرفت.

جلد چهارم دایرةالمعارف تشیع در سال ۱۳۷۴ در رشته

مرجع‌نگاری به عنوان کتاب سال موفق به دریافت جایزه لوح تقدیر شد. اگر خاطره‌ای از آن مراسم دارید بفرمایید؟

○ بی‌شک بسیار خوشحال بودم. برحسب اتفاق تا آن زمان چندین نامه به ریاست جمهوری داده بودیم و مشکلات زیادی را که در آن زمان گرفتار ش بودیم، در میان گذاشته بودیم، اما پاسخی دریافت نکردیم. زمانی که برای دریافت جایزه کتاب سال نزدیک رییس‌جمهوری - که همراه وزیر ارشد و معاون ایشان بودند - رفتم، ایشان حالم را پرسیدند و من گفتم حالم خوب بوده و هنوز هم هست، ولی حالا چشم‌مان در چشم هم افتاده دست و دیگر نمی‌توانید در کاستن مشکلات کمک نکنید. ایشان هم البته لطف کردند و دستورهایی بدین منظور دادند.

تاکنون برای نشر دایرةالمعارف تشیع چقدر هزینه شده است؟

○ پیش از این هزینه‌ها و امور مالی در دست آقای صدر حاج‌سیدجوادی بود و چنان که اطلاع دارم تا سال ۱۳۶۶ که ایشان عهده‌دار این امور بوده‌اند، برای دو جلد اول و دوم نزدیک به ۱۰ میلیون تومان هزینه کرده‌اند. پس از اینکه من این وظیفه و مسؤلیت را به عهده گرفتم، با این که صورت‌حساب و دفتر و دستک بلندبالایی ندارم، فقط می‌توانم بگویم برای جلد هشتم تا مرحله حروفچینی چاپ و صحافی بیش از شانزده میلیون تومان خرج کرده‌ایم. در واقع هزینه‌ها را ماهیانه حساب می‌کنم، نه برای هر جلد و ماهانه به تقریب یک میلیون تومان برای کارهای متفاوت از حقوق و حق‌الزحمه، حق تألیف و خرید برخی منابع یا مسایل چاپ و حروفچینی و از این دست خرج می‌کنیم و چون جلد هشتم تا مرحله چاپ شانزده ماه طول کشیده، در نتیجه هزینه آن شانزده میلیون برآورده می‌شود.

آیا افرادی پیدا می‌شوند که دایرةالمعارف را با این هزینه سنگین کمک بدهند و قدمی در جهت تقویت بنیه مالی این مرکز بردارند؟

○ بله، گاهی افراد خیری که از وضعیت مالی ما خبر دارند که در چه تنگای اقتصادی قرار داریم، ولی با این وضع با همه مشکلات و گرفتاری‌ها نگذاشتیم این مرکز فرهنگی تعطیل شود. افرادی هستند که کمک‌های مالی در حد بنیة اقتصادی خود می‌کنند و راضی نیستند که من نامی از آنها ببرم، چون هدفی والا

دارند و آن هم ارتقا و گسترش فرهنگ تشیع در جامعه اسلامی است و به خاطر این هدف مقدس از هیچ کمکی فروگذار نمی‌کنند.

به عنوان آخرین سؤال چه کسانی از اولین جلد تا جلد

هشتم که تاکنون چاپ شده است شما را یاری داده‌اند؟

○ اگر همت والای نویسندگان مقالات نبود، نمی‌توانستیم قدم از قدم برداریم. حال آن که به عنایت خداوند و یاری این دوستان تاکنون ۸ جلد از کل ۱۲ یا ۱۴ جلد این اثر را ظرف مدت ۱۵ سال انتشار داده‌ایم و بعضی از مجلدات را کراراً چاپ کرده‌ایم، نویسندگان دایرةالمعارف در حدود بیست تن و عمدتاً از استادان حوزه‌های علمیه و دانشگاه هستند. در اینجا هم برای تبرک و هم عرض تشکر نام گرامی مؤلفان اصلی را یاد می‌کنم:

دکتر پرویز ادکایی، شادروان دکتر مرتضی اسعدی، حجت‌الاسلام انصاری، حسن انوشه، خانم خدیجه بوتربی، خانم مرضیه محمدزاده، دکتر شهرام پاروکی، حجت‌الاسلام سیدمهدی حائری فروتنی، دکتر سیدمحمد حسینی، دکتر اصغر دادبه، علی رفیعی، شادروان ابوالقاسم رفیعی مهربادی. شادروان دکترمحمد حسین روحانی، شادروان دکتر عباس زریاب خوبی، حسن سیدعرب‌عبدالحسین شهیدی صالحی علی‌اکبر عطفی، علیرضا علی‌نقی، دکتر حسین قره چانلو، شادروان دکتر حسین کریمان، شادروان دکتر محمدحسین مشایخ فریونی، حسین فعال عراقی، حجت‌الاسلام محمدصادق نصیری، دکتر پرویز ورجاوند و همچنین آقای خدایار و عظیم‌زاده که اخیراً به این جمع پیوسته‌اند و عده دیگری هم از نویسندگان هستند که یک یا چند مقاله نوشته‌اند. سعی همگی این عزیزان مشکور باد. همکاران کادر فنی و اداری هم عبارتند از خانم آرزو محب‌زاده، خانم صنم نظامی تفرشی و خانم مریم قاسمی و فاطمه کاظمی و همچنین خانم مهوش صفایی که زیر نظر هیأت تحریریه کار و برابری دایرةالمعارف را برعهده دارند و آقای مرتضی کریمی که رابط بین این دایرةالمعارف و دیگر مراکز فرهنگی است.

از این که به پرسش‌های ما پاسخ گفتید سپاسگزاریم و امیدواریم دوره کامل دایرةالمعارف تشیع هرچه زودتر در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد؟

○ من هم از شما که در راه معرفی چنین دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌هایی می‌کوشید سپاسگزارم. امیدوارم دیگران هم به سهم خود - اگر نمی‌توانند چون من هزینه زیادی را برای نشر دایرةالمعارف اختصاص دهند - دست‌کم با خرید دایرةالمعارف‌ها برای خود یا اهلبا دیگران، دست‌اندرکاران دایرةالمعارف‌هایی را که در کشور ما در دست تدوین و نشر است یاری دهند و با این کار هم نیاز خود را به آگاهی و اطلاعات متفاوت برآورده سازند و هم سهمی در پیشرفت این زمینه از فرهنگ و دانش داشته باشند. اگر چنین باشد و مردم حتی با خرید یک دوره دایرةالمعارف از خود استقبال نشان دهند، کشور ما در این زمینه و حوزه نیز برجسته و شاخص خواهد بود.